

تأثیر امتیاز نفت شمال در روابط ایران و شوروی

عظیم رفیع زاده^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۲

چکیده

در تاریخ روابط ایران با روسیه شوروی موضوع امتیاز نفت شمال از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هنگامی که پنج استان شمالی ایران از قرارداد داری مستثنی شد و انگلیسی‌ها امتیاز نفت جنوب را بدون هیچ مشکلی بدست آوردند، از آن زمان روسیه و بعد شوروی نیز در تلاش برای بدست آوردن امتیازات مشابهی در ایران بوده است. بعد از اشغال ایران در جریان جنگ جهانی دوم بوسیله متفقین شوروی درصدد کسب امتیاز نفت شمال برآمد. اما با تصویب مجلس شورای ملی ایران مبنی بر عدم واگذاری هرگونه امتیاز نفتی، شوروی‌ها، در این هدف ناکام ماندند هرچند مشکلاتی در اوضاع داخلی ایران ایجاد کردند. موضوع درخواست امتیاز نفت شمال به کشمکش بزرگ در روابط ایران و شوروی تبدیل شد. شوروی هرگز راضی نمی شد کشورهای قدرتمند غربی چون آمریکا و انگلستان به بهانه استخراج نفت به مرزهای این کشور نزدیک شوند. دست یابی به نفت شمال ایران قدرت اقتصادی شوروی در بازارهای بین المللی و در رقابت با رقبای غربی را افزایش می داد. ایران نیز با امتیاز نفت شمال، اهداف خاص خودش را دنبال می کرد. دولت ایران که معمولاً تحت فشار روسیه و انگلستان بود. در وهله اول سعی می کرد با پیشنهاد واگذاری امتیاز نفت شمال به شرکتهای آمریکایی ضمن کاستن از مشکلات اقتصادی خود، از فشار شوروی و انگلستان نیز رهایی یابد. ضمن اینکه کشاندن پای قدرت سوم به ایران می توانست شرایط را برای ایران در رقابتهای بین المللی تعدیل نماید. در نتیجه علیرغم تمایل به واگذاری امتیاز نفت شمال به شرکتهای آمریکایی و انگلیسی، با درخواست شوروی مخالفت نمود.

کلیدواژه‌ها: نفت شمال، روسیه، ایران، امتیاز، شوروی

مقدمه

یکی از مسائلی که در تاریخ روابط خارجی ایران و روسیه شوروی مطرح بود، و برخی مواقع اهمیت زیادی پیدا کرده مسئله نفت شمال ایران بوده است. این موضوع قبل از انقلاب اکتبر و در جریان اشغال ایران بوسیله روسیه با کسب امتیاز نفت شمال بوسیله خوستاریا از اتباع روسیه مطرح شد و در سال‌های بعد با اهمیت پیدا کردن نفت در اقتصاد جهانی بیشتر نمایان شد. براساس قرارداد داری پنج استان شمالی ایران یعنی آذربایجان، گیلان، مازندران، استرآباد و خراسان مستثنی شدند. انگلیسی‌ها با این کار نمی‌خواستند حساسیت رقیب سنتی خود را برانگیزند و روس‌ها نیز با این قرارداد این مناطق را به نوعی حیاط خلوت خود و مناطق همیشه تحت نفوذ خود می‌دانستند. زمانی که کشف و استخراج نفت در یکی از این استان‌ها مطرح شد روسیه شوروی نسبت به آن عکس‌العمل نشان داد. زمانی که ایران در جنگ جهانی دوم به اشغال متفقین درآمد. شوروی فرصت را غنیمت شمرده تقاضای امتیاز نفت شمال را مطرح کرد، هر چند در رسیدن به هدف خود ناکام ماند. در مقاله زیر به اهداف شوروی از این امتیاز پرداخته شده و اینکه این موضوع چه تاثیری در روابط ایران و شوروی داشته است و اینکه شوروی علیرغم برخورداری از منابع نفتی عظیم چرا در تلاش برای کسب امتیاز نفت شمال بود؟ از طرفی چرا شوروی به هیچ وجه حاضر نبود کشور دیگری امتیاز نفت شمال را بدست آورد؟ دولت ایران به چه دلیل علاقه‌مند به واگذاری امتیاز نفت شمال به قدرت سومی غیر از انگلستان و شوروی بوده است؟ این نوشته ضمن پاسخ به سؤالات فوق نگاهی به تاریخچه و فراز و فرودهای امتیاز نفت شمال و تأثیر آن بر روابط ایران با شوروی پرداخته است.

امتیاز نفت شمال

در هنگام واگذاری امتیاز داری پنج استان شمالی ایران یعنی آذربایجان، گیلان، مازندران، استرآباد و خراسان که همجوار روسیه بودند از کل مناطق مستثنی شدند تا بطور کلی اعطای امتیاز مورد اعتراض روس‌ها قرار نگیرد. بنابراین امتیازات اعطا شده و فعالیت‌های به عمل آمده در این پنج استان در طبقه‌بندی دیگری قرار می‌گیرند که از آن به عنوان منطقه نفتی شمال و یا بطور کلی «نفت شمال» نام می‌برند. در دو ایالت از این پنج ایالت فعالیت‌هایی برای کسب امتیاز و استخراج نفت صورت گرفته و فرمان‌ها و امتیازاتی نیز داده شده است.^۱ این دو منطقه سمنان یا کویر خوریان و منطقه مازندران بوده است.

منطقه سمنان (کویر خوریان)

اولین فرمانی که در مورد مواد معدنی منطقه کویر خوریان صادر شده فرمان ناصرالدین شاه قاجار و به نام میرزاعلی معدنچی به تاریخ ۱۸۷۷ میلادی (۱۲۵۵ شمسی) بوده است. به موجب این فرمان سه هزار زرع از اراضی جنوب سمنان به طرف کویر لوت و اطراف آن از چهار جهت به مالکیت دائمی میرزاعلی خان معدنچی درآمده است.^۲

در سال ۱۸۸۰ م (۱۲۵۸ شمسی) نیز ناصرالدین شاه فرمان‌هایی را به نام حاج علی‌اکبر معادن صادر کرد. به موجب این فرمان‌ها مالکیت معادن مس و سرب و ذغال‌سنگ و نفت کویر خوریان به امین معادن واگذار گردید. این فرمان‌ها همراه با فرمانی که در سال ۱۸۹۶ (۱۲۷۴ ش) به نام محمدولی - خان خلعت‌بری (سپهسالار اعظم) صادر شد بعدها در قرن بیستم موضوع دعاوی روسها گردید. دولت روسیه درصدد بر می‌آید تا فرمان‌های امین معادن را توسط سردار اعظم نوه ناصرالدین شاه و خواهرزاده ظل‌السلطان که تحت‌الحمایه روسیه تزاری شده بود، بدست آورد.

سردار اعظم معادن مزبور را از ورثه امین معادن به مدت هفتاد سال اجاره می‌کند تا آن را به روسها واگذار نماید.^۳ دولت ایران که از جریان امر اطلاع حاصل می‌کند طی تصویب‌نامه‌ای در سال ۱۲۸۶ شمسی اعلام می‌دارد که هرگاه صاحب امتیاز معدنی شش ماه بدون مانع فوق‌العاده‌ای در معدنی کار نکرده باشد امتیاز او از درجه اعتبار ساقط است.^۴

منطقه مازندران و امتیاز خوشتاریا

در سال ۱۸۹۶ م (۱۲۷۴ شمسی) ناصرالدین شاه فرمانی به نام محمد ولی خان خلعت‌بری (سپهسالار اعظم) صادر کرد که به موجب آن استخراج نفت در محال ثلاثه تنکابن، کجور و کلارستاق (مازندران) به وی واگذار شد. برخی آن را اولین امتیازی می‌دانند که درباره نفت شمال داده شده و اصل این فرمان در تصرف شرکت نفت بریتانیا (شرکت سابق نفت ایران و انگلیس) است.^۵

از سال ۱۹۰۱ میلادی «آکاکسی مددویچ خوشتاریا» تبعه روس و اهل گرجستان که در ایران به سر می‌برد و با بسیاری از رجال و سیاستمداران و بازرگانان آشنایی و دوستی داشت متوجه شد که

محمد ولیخان خلعت‌بری فرمانی جهت استخراج نفت از ناصرالدین شاه دریافت کرده است. خوشتاریا درصدد بر آمد این فرمان و امتیاز را بدست آورد. در تاریخ ۲۷ ژانویه ۱۹۱۶ (ششم بهمن ۱۲۹۴ شمسی) قراردادی بین محمد ولیخان خلعت‌بری و خوشتاریا منعقد گردید. براساس این قرارداد امتیاز معادن نفت محال ثلاثه تنکابن و کجور و کلارستاق به خوشتاریا واگذار شد. متن و مفاد قرارداد در کتاب پنجاه سال نفت ایران آمده است.^۶ همچنین خوشتاریا در همان سال (۱۹۱۶ م) که محمد ولیخان خلعت‌بری نخست‌وزیر و وثوق‌الدوله وزیر خارجه بود در غیاب مجلس شورای ملی (احتمالاً منظور انحلال مجلس شورای ملی به دستور ناصرالملک نایب‌السلطنه در جریان التیماتوم روسیه تزاری است) تحت فشار دولت تزاری روسیه که ارتش آن سرتاسر شمال ایران را اشغال کرده بود، امتیازی را به خوشتاریا برای استخراج نفت شمال داد. تفاوت این دو امتیاز در این است که امتیاز اول را خوشتاریا از شخص (محمد ولیخان خلعت‌بری) گرفته بود چون محمدولیخان این امتیاز را براساس فرمانی سالها قبل از ناصرالدین شاه گرفته بود، ولی امتیاز دوم را خوشتاریا از دولت ایران گرفت که در آن زمان محمد ولیخان با نام سپهدار اعظم نخست وزیر بود.^۷ همچنین امتیاز اول به مدت نود و نه سال بوده و دارای ده ماده، اما مدت امتیاز دوم هفتاد سال بود و دارای دوازده ماده که شامل کشف و استخراج نفت و گاز طبیعی و قیر و موم طبیعی در حوزه ایالات گیلان، مازندران و استرآباد بود. ضمن اینکه در این قرارداد تأیید شده بود که این امتیاز شامل محال ثلاثه و نقاطی که به آقای محمدولیخان خلعت‌بری در شعبان ۱۳۱۳ واگذار شده نمی‌گردد.^۸ امتیاز دوم که در سال ۱۹۱۶ واگذار شده بود می‌بایست به تصویب مجلس شورای ملی برسد. ولی به علت فترت مجلس در ایام جنگ امتیاز مزبور برای تصویب ارائه نشد و کابینه بعدی هم امتیاز خوشتاریا را لغو کرد.^۹

سرانجام و پیامدهای امتیاز خوشتاریا

معلوم بود که این امتیاز با تهدید و فشار واگذار شده و هیچ ارزش قانونی نداشت. چنانکه وقتی کابینه بعدی (صمصام‌السلطنه) روی کارآمد در اولین اقدام آن را لغو و از درجه اعتبار ساقط دانست. همچنین دولت ایران به این هم اکتفا نکرده و به سفارت روس و سایر سفارتخانه‌های خارجی در تهران اعلام نمود که امتیاز مزبور لغو می‌باشد. به خود خوشتاریا هم این موضوع را مؤکداً اطلاع داد. خوشتاریا که امتیاز نفت شمال را با ارباب و تهدید و فشار سفارت تزاری روسیه تحصیل کرده بود، امیدوار بود با همان قوه آن را اجرا نماید. ولی بعد از پیروزی انقلاب روسیه (انقلاب اکتبر) دولت

شوروی کلیه امتیازاتی را که به دولت و به اتباع دولت تزاری روس واگذار شده بود را ملغی اعلام کرد.^{۱۰} خوشتاریا بعد از این موضوع راهی اروپا شد تا برای امتیاز فاقد اعتبارش خریداری پیدا کند. ابتدا به شرکت‌های هلندی و فرانسوی پیشنهاد خرید امتیاز را داد ولی آن‌ها پس از استفسار از دولت ایران و اطلاع از ابطال امتیاز مزبور از خرید آن امتناع ورزیدند.

نهایتاً خوشتاریا به لندن رفته و با شرکت نفت ایران و انگلیس وارد مذاکره شد و ادعا کرد چون اهل کشور گرجستان است و جمهوری گرجستان نیز استقلال خود را اعلام کرده، و جزء اتحاد شوروی محسوب نمی‌شود.^{۱۱} بنابراین الغای امتیازات از طرف دولت انقلابی بلشویکی شامل امتیاز او نمی‌گردد. از طرفی چون امتیاز او هم از طرف یک دولت قانونی داده شده بنابراین قابل تصویب در مجلس شورای ملی ایران می‌باشد.^{۱۲} از سوی دیگر او اصل فرمان شاه را به موجب قرارداد خود با سپهسالار اعظم در دست دارد. شرکت نفت ایران و انگلیس با پرداخت یکصد هزار لیره امتیاز بی‌اعتبار خوشتاریا و قرارداد او را با سپهسالار اعظم خریداری کرد و قرار شد در صورت تشکیل هر نوع شرکتی برای بهره‌برداری از این امتیاز و قرارداد به خوشتاریا نیز سهامی واگذار شود. در ماه مه ۱۹۲۰ شرکت نفت ایران و انگلیس شرکت تابعه‌ای به نام «شرکت نفت‌های شمال ایران» با سرمایه سه میلیون لیره تشکیل و در لندن به ثبت رساند.^{۱۳} مدیران شرکت مزبور عبارت بودند از سرچارلز گرینوی رئیس هیئت مدیره شرکت نفت ایران و انگلیس و دو نفر دیگر از مدیران شرکت مزبور، رابرت واتسن یکی از مدیران شرکت نفت برمه، خوشتاریا و یک نفر دیگر به نام ژالکی.^{۱۴} شرکت نفت ایران و انگلیس خود خوشتاریا را هم به عنوان یکی از مدیران و صاحبان سهم در این شرکت جدید برگزید،^{۱۵} تا پاداش پاداش خدمات او را هم داده باشد.

دولت ایران به محض اطلاع از موضوع ضمن ارسال یادداشت برای وزیرمختار انگلیس در تهران، با اشاره به غیرقانونی بودن امتیاز خوشتاریا، یادآور شد که چون انگلستان امتیاز نفت جنوب را در اختیار دارد، چنانچه نسبت به استخراج و بهره‌برداری از نفت مناطق شمال ایران نیز اقدام نماید در آن صورت تمامی مناطق نفتی کشور را بطور کلی در انحصار خود خواهد داشت^{۱۶} و این عمل مخالف با اصل «درگشوده» می‌باشد که به موجب آن همه کشورهای باید مجاز به تحصیل چنین امتیازاتی باشند و هیچ کشور نباید منابع نفت کشور دیگر را در انحصار کامل خود در آورد.^{۱۷}

ورود ناموفق انگلستان به ماجرای خوشتاریا و نفت شمال

در حالیکه جداول بر سر امتیاز خوشتاریا ادامه داشت و «شرکت نفت‌های شمال ایران» برای شروع عملیات حفاری در منطقه شمال به دولت ایران فشار می‌آورد، دولت ایران درصدد پیدا کردن قدرت ثالثی برای استخراج نفت شمال برآمد. آن دولت ثالث آمریکا بود که به چگونگی ورود آنها در این عرصه اشاره خواهیم کرد. قبل از آن اینکه چرا انگلیسی‌ها به رغم اطلاع از بی‌اعتباری قرارداد خوشتاریا آن را برای شرکت نفت ایران و انگلیس خریداری نمودند باید یادآور شد که این تصمیم انگلستان بیشتر از وضع سیاسی بحرانی روسیه شوروی که در پی وقوع انقلاب در آن کشور پیش آمده بود ناشی می‌شد. از طرفی بعد از انقلاب اکتبر روسیه و خروج نیروهای آن کشور از ایران، انگلستان درصدد بود خلاء بوجود آمدن در قلمروهای شمالی ایران را پر کند و از نفوذ احتمالی یک کشور ثالث در امور ایران جلوگیری به عمل آورد.^{۱۸} انگلیسی‌ها برای اثبات حقانیت خود در قرارداد نفتی با خوشتاریا اعلام کردند که خوشتاریا تبعه روسیه نبود، بلکه شهروند دولت گرجستان است و بنابراین قرارداد او با دولت وقت ایران ارتباطی به دولت شوروی ندارد. هر چند این استدلال شرکت نفت ایران و انگلیس به زودی فرو پاشید چون که در اول فروردین ۱۳۰۰ جمهوری گرجستان به اتحاد جماهیر شوروی پیوست و از حالت یک کشور مستقل خارج شد. در نتیجه نخستین اقدام دولت انگلستان تحت پوشش شرکت نفت ایران و انگلیس برای تصاحب نفت شمال ایران ناکام ماند.^{۱۹} از طرفی در سال ۱۹۲۴ (۱۳۰۳ ش) وزارت فوائد عامه اعلام کرد که تمامی فرمان‌هایی که در مورد بهره‌برداری از مناطق معدنی کشور در دوره قاجاریه صادر شده است باید مورد بررسی قرار گرفته و در صورت تأیید در دفتر وزارت فوائد عامه به ثبت برسد و در غیر این صورت فرمان‌هایی که در اختیار افراد باشد از درجه اعتبار ساقط است. ورثه امین معاون هم که فرمان معروف ۱۸۸۰ (که در ابتدای این مقاله به آن اشاره شد) را در اختیار داشتند درصدد ثبت آن برآمدند. از بیست و سه فرمانی که برای ثبت به دفتر وزارت فوائد عامه ارائه گردیده بود، تنها فرمان ۱۸۸۰ که به نام امین معاون و درباره نفت کویر خوریان بود، قانونی تشخیص داده شد و تأیید و ثبت گردید و به وکیل ورثه امین معاون هم مسترد نگردید. بقیه فرمان‌ها را دولت غیرقانونی دانسته و اعتبار آن‌ها را لغو کرد.^{۲۰} این اقدام یعنی الغای اعتبار همه فرمان‌ها و قانونی و معتبر شناختن تنها یک فرمان از طرف دولت ایران، طرح و نقشه

حساب شده‌ای بوده تا بدان وسیله اعتبار تازه‌ای برای فرمان مذکور قائل شده و آن را قانونی و معتبر بشناسند و شرایطی فراهم آورند تا اصل فرمان به چنگ دست اندرکاران پشت پرده افتد.^{۲۱}

این که چگونه این فرمان به ثبت رسید و چه کسانی پشت ماجرا بودند، به نظر میرسد افرادی چون تیمورتاش که خود از این قرارداد بعدها یک میلیون ریال سهم دریافت کرد و آقا میر قفقازی خمروی (امیرمنظم) امین معاون، ستوده و گروهی دیگر بوده‌اند.^{۲۲} زمان تأسیس شرکت سهامی نفت کویر خوریان در سال ۱۳۰۴ با سرمایه پنج‌میلیون ریال که یک سوم آن پرداخت شده بود. برخی افراد فوق جزء هیئت مدیره آن بودند مانند امیر منظم قفقازی، علی اکبر ستوده، مانیبال منشی خوشتاریا و دو نفر روسی به نام‌های زکاکلین و گرگناد.^{۲۳} پس از اینکه انگلیسی‌ها از این امر آگاه شدند معترض شدند که چرا ثبت فرمان ۱۸۸۰ بطور سری و در خفا صورت گرفته است؟ دولت ایران پاسخ داد که کمپانی نفت ایران و انگلیس هیچگونه حقی در منطقه سمنان ندارد، زیرا به موجب ماده شش امتیازنامه داری سمنان به همراه چهار ایالت دیگر ایران از امتیاز داری مجزا شده‌اند. همچنین دولت در مورد ابطال سایر فرمان‌ها اعلام کرد، چنانچه علناً اعلام شود که تمامی فرمان‌ها و امتیازات از درجه اعتبار ساقط شده‌اند در آن صورت امتیاز داری هم در معرض خطر ابطال قرار خواهد گرفت. این ادعا ممکن است علیه خود کمپانی نفت ایران و انگلیس بکار گرفته شود.^{۲۴} در مقابل چنین استدلالی کمپانی نام برده و دولت انگلستان دست از ادعا و اعتراض خود کشید و موضوع مسکوت ماند.

شرکت‌های آمریکایی و امتیاز نفت شمال

پس از اینکه تلاش‌های انگلستان برای کسب امتیاز نفت شمال به بن بست رسید، دولت ایران تصمیم گرفت بهره‌برداری از معادن نفت منطقه شمال را به یک قدرت دیگر که منافع ارضی و سیاسی در ایران نداشته باشد واگذار نماید. در این شرایط بهترین گزینه برای ایران شرکت‌های آمریکایی بودند. البته تا آن زمان آمریکا هنوز موقعیت ایران را نشناخته بود و ایران نیز شناختی از آمریکا نداشت.^{۲۵} تلاش سیاستمداران ایران برای واگذاری امتیاز نفت شمال به شرکت‌های آمریکایی در واقع جهت نزدیکی به نیروی سوم (قدرت ثالث) در سیاست خارجی بود. پیامد منفی رقابت روسیه و انگلیس در ایران سبب گردیده بود تا برخی دولتمردان ایران به سیاست نیروی سوم علاقمند شوند که

به دکتربین نیروی سوم شهرت یافت.^{۲۶} این تلاش‌ها برای مقابله با سیاست‌های روس و انگلیس در ایران پی‌گیری می‌شد. برخی این شیوه را برای ایران مناسب‌ترین می‌دانستند.

چرا که در آن زمان به عقیده برخی، دولت ایران دریافته بود که باید جل و گلیم خود را به توسط سرمایه دولت آمریکای شمالی از آب بیرون کشد و مصلحت خود را در آن دیده بود که با همدستی دولت آمریکا خود را از گرداب فقر نجات دهد.^{۲۷} در تعقیب این سیاست بود که وزیر مختار ایران در واشنگتن (حسین علاء) کوشش داشت تا شرکت‌های آمریکایی را برای کسب امتیاز نفتی در شمال ایران ترغیب نماید. تلاش‌های وزیر مختار ایران نتیجه داد، چرا که در ۱۲ اوت ۱۹۲۰ وزارت خارجه آمریکا به وی اطلاع داد که کمپانی‌های آمریکایی خواستار کسب امتیاز نفت در شمال ایران هستند.^{۲۸} به دنبال این موضوع وزیر مختار ایران با کمک مورگان شوستر مذاکراتی را با نمایندگان شرکت استاندارد اوایل نیوجرسی آغاز کرد در ۲۱ نوامبر ۱۹۲۱ (۳۰ آبان ۱۳۰۰) مجلس شورای ملی لایحه دولت مبنی بر اعطای امتیاز ۵۰ ساله استخراج و بهره‌برداری از معادن نفتی ایالات پنجمانه شمال ایران را به کمپانی استاندارد اوایل نیوجرسی را داد. قبل از توافق ایران با شرکت استاندارد اوایل شرکت نفت ایران و انگلیس برای کسب امتیاز نفت در استان‌های آذربایجان و خراسان (که جزء امتیاز خوشتاریا نبود) نماینده‌ای به ایران فرستاد. این نماینده همچنین مأموریت داشت تا دولت ایران را راضی نماید که امتیاز نفت شمال یا همان خوشتاریا را تأیید نماید.^{۲۹}

ورود این نماینده و مذاکرات او با دولت موجب اعتراض دولت آمریکا شد که تقاضا داشت دولت هر گونه مذاکره درباره نفت شمال را تا ورود نمایندگان شرکت‌های آمریکایی به تعویق اندازد تا به آمریکایی‌ها به تهران ورد شده و شانس برای کسب امتیاز نفت داشته باشند.^{۳۰}

از آنجا که دولت ایران علاقه‌ای برای مذاکره با انگلیسی‌ها نداشت پیشنهاد شرکت استاندارد اوایل نیوجرسی را در پنج ماده در مجلس تصویب کرد. پس از تصویب طرح مذکور سفارت‌های روس و انگلیس یادداشت اعتراض آمیزی برای دولت ایران فرستادند. سفارش روسیه معترض شد که به موجب فصل ۱۳ عهدنامه ایران و روسیه (۱۹۲۱) دولت ایران تعهد کرده است امتیازاتی که در عهد تزار به اتباع روسیه واگذار شده و دولت شوروی آن‌ها را به ایران مسترد داشته حق واگذاریشان به هیچ دولت ثالث و اتباع دولت ثالث را ندارد. چون امتیاز نفت شمال را یکی از کابینه‌های دوره فترت به خوشتاریا که تبعه دولت تزاری روس بوده داده است، لذا طبق عهدنامه مذکور واگذاری آن به شرکت نفت

استاندارد برخلاف عهدنامه فیما بین می‌باشد. دولت ایران در جواب یادداشت اعتراض دولت شوروی نوشته که ملغی بودن نوشته‌ای که در دست خوشتاریا بوده مربوط به عهدنامه دولت‌های ایران و روس نیست، چرا که نوشته مزبور هیچگاه مدارج قانونی را طی نکرده و به تصویب مجلس شورای ملی نرسیده و قانوناً باطل و از درجه اعتبار ساقط است.^{۳۱}

سفارت انگلیس هم در اعتراضیه خود گفته بود چون خوشتاریا امتیاز خود را به شرکت نفت ایران و انگلیس فروخته بنابراین دولت ایران حق ندارد آن را به یک شرکت آمریکایی واگذار کند. دولت ایران در جواب سفارش انگلیس، بی‌اعتباری نوشته خوشتاریا را متذکر گردیده و اعلام کرد که موقع لغو نوشته مذکور مراتب به سفارت انگلیس اطلاع داده شده و سفارت مزبور هم به این امر کتباً رضایت داده است.^{۳۲} دولت ایران که در این زمان به شدت تحت فشار مالی قرار داشت روی قرارداد با شرکت استاندارد اوپیل حساب ویژه‌ای باز کرده بود و از دولت آمریکا درخواست وامی به مبلغ ده میلیون دلار کرد.^{۳۳} از طرفی شرکت نفت ایران و انگلیس و دولت انگلستان که از راه قانونی نتوانستند برای شروع بکار شرکت آمریکایی استاندارد اوپیل مشکل ایجاد کنند، از راه تهدید و ایجاد موانع برای شرکت آمریکایی استاندارد اوپیل با آمریکایی‌ها از در سازش درآمدند.

آنها اعلام کردند چنانچه شرکت استاندارد اوپیل بخواهد نفت استخراجی از شمال ایران را صادر کند یا باید از طریق شوروی صادر نماید که این امر بعید به نظر می‌رسد یا اینکه برای حمل آن به خلیج-فارس از طریق لوله‌های نفتی باید دست به دامان شرکت نفت ایران و انگلیس شود و طبق قرارداد داری چون حق انحصاری ایجاد لوله نفت به خلیج فارس و حمل و نقل مواد نفتی در سراسر ایران به استثنای ایالات شمال در اختیار شرکت نفت ایران و انگلیس است این امر بدون رضایت آنها امکان‌پذیر نخواهد بود. انگلیسی‌ها با این استدلال‌ها آمریکایی‌ها را راضی کردند تا شرکت نفت ایران و انگلیس را در امتیاز بدست آمده شریک سازند.^{۳۴} در این شرایط دولت ایران که آن زمان ریاست آن را مشیرالدوله در اختیار داشت سیاست خود را مقاومت در برابر ائتلاف استاندارد و شرکت نفت ایران و انگلیس قرار داد. پیرنیا (نخست وزیر ایران) به شدت مخالف همکاری شرکت نفت جنوب در امتیاز نفت شمال بود. وی هر گونه مشارکت استاندارد اوپیل با شرکت نفت جنوب (داری) را منوط به تصویب مجلس می‌دانست و گرفتن رأی مجلس را به خاطر حساسیت افکار عمومی بعید می‌دید. وی همچنین گفت: «دولت روسیه همین قدر که راضی شد برضد کمپانی آمریکایی در نفت شمال

ضدیت نکند ولی با شرکت انگلیسی قطعاً ضدیت خواهد کرد. بر همین اساس تأکید داشت امتیاز نفت شمال تماماً با خود استاندارد باشد. هیچ قراری نباید براساس شراکت باشد. مثلاً اگر استاندارد امتیاز خود را تماماً بگیرد ولی قراری بدهد که درصدی فلان قدر از نفت استخراجی را به کمپانی جنوب به عنوان فروش یا غیر آن خواهد داد به اصول مصوبه مجلس خلی وارد نمی‌آید و تصور نمی‌کنم جای ایراد باشد».^{۳۵} برخلاف نظر مشیرالدوله، حسین علاء وزیر مختار ایران در واشنگتن معتقد بود شراکت کمپانی نفت جنوب در امتیاز نفت شمال بی‌ضرر است.^{۳۶} در ایران نیز عده‌ای این قرارداد را بهترین می‌دانستند، زیرا معتقد بودند این تدبیر (شراکت استاندارد اوایل با شرکت نفت ایران و انگلیس) بهترین تدبیری بود که کار را عملی می‌کرد و می‌توانستند با این اتفاق برابر تعرضات دولت شوروی مقاومت نمایند.^{۳۷} در حالیکه شرکت استاندارد اوایل با ایران به توافقاتی رسیده و شرایط ایرانف از جمله واگذاری مبلغ ده میلیون دلار قرضه بوسیله بانک‌های آمریکایی به دولت ایران و همچنین اصلاح ماده پنجم قرارداد که شرکت امتیاز گیرنده حق واگذاری حقوق خود را به دولت یا شرکت دیگری ندارد، همه موارد مورد قبول شرکت استاندارد اوایل قرار گرفت در این اثنا یک کمپانی دیگر آمریکایی به نام سینکлер هم برای کسب امتیاز نفت شمال ابراز تمایل کرد. شرکت سینکлер زمانی پا به عرصه دریافت امتیاز نفت شمال گذاشت که استاندارد اوایل بعد از مذاکره با بانک مرگان از دریافت قرض ده میلیونی برای دولت ایران ابراز ناامیدی کرد.^{۳۸} در این شرایط قوام السلطنه که دوباره نخست‌وزیر شده بود پیشنهاد کرد امتیاز نفت شمال را به مدت ۵ سال به شرکت سینکлер اعطا نماید. در مجلس بر سر اعطای امتیاز اختلاف نظرهایی بوجود آمد، عده‌ای طرفدار واگذاری امتیاز به استاندارد اوایل (اقلیت) و عده‌ای هواخواه واگذاری امتیاز به سینکлер (اکثریت).^{۳۹} علیرغم تصویب پیشنهاد اعطای امتیاز به شرکت سینکлер در مجلس واگذاری آن تا اسفند ۱۳۰۲ به تأخیر افتاد. چرا که طرفداران شرکت نفت جنوب و عناصر انگلوفیل در جهت تصویب آن کارشکنی می‌کردند و به انحای مختلف از جمله همدستی با نمایندگان مجلس که مخالف واگذاری امتیاز به سینکлер بودند از طرح پیشنهاد دولت در صحن مجلس جلوگیری می‌کردند.^{۴۰} شرکت سینکлер همان شرکتی بود که پیش از این اداره نفت معادن بادکوبه و اجازه استخراج معادن نفت شمال جزیره ساخالین را از دولت شوروی اخذ کرده بود. بطور کلی روابط حسنه و خوبی با دولت شوروی که هنوز از طرف آمریکا به رسمیت شناخته نشده بود، داشت، سینکлер از این طریق موفق شده بود تا مجوز حمل نفت شمال ایران را از طریق قفقاز به یکی

از بنادر دریای سیاه به دست آورد. با این پیش‌زمینه بود که سینکسر تقاضای امتیاز نفت شمال ایران را داشت. اما کشمکش گروهی از اولیاء دولت ایران و جمعی از نمایندگان مجلس و ارباب مطبوعات این موضوع را به تأخیر انداخت. هواخواهان استاندارد اوایل از جانب سفارت انگلیس و هواخواهان سینکسر از طرف سفارت شوروی حمایت می‌شدند.^۱ تا اینکه سینکسر موفق شد در ۲۹ آذر ماه ۱۳۰۲ قراردادی با دولت ایران منعقد نماید. دولت قوام که در خرداد ۱۳۰۲ سقوط کرد و رضا خان به نخست‌وزیری رسیده بود و در زمان دولت او توافق با سینکسر حاصل شده بود. در قرارداد جدید با سینکسر سود ایران از ۲۰ به ۲۸ درصد افزایش یافته بود و صاحب امتیاز متعهد شده بود، وامی به مبلغ ده میلیون دلار از آمریکا برای ایران تهیه کند. اعطای امتیاز مشروط به تأمین و پرداخت این وام شد. به مناسبت انعقاد قرارداد نفت شمال، مجلس جشنی از طرف رضاخان برگزار شد. وی در این مراسم اظهار داشت: «این یکی از بزرگترین لحظات تاریخ ایران است. ما قصد آن داریم که قدرت اقتصادی روسیه و انگلیس را در ایران ملغی سازیم. این امتیاز که به یک شرکت آمریکایی داده شده است سرآغاز یک همبستگی قوی‌تر و نزدیک‌تر بین ایران و آمریکا می‌باشد.»^۲

این آرزو هیچ‌گاه تحقق نیافت زیرا مخالفان خصوصاً دولت انگلستان و شرکت نفت ایران و انگلیس، کمپانی استاندارد اوایل و مخالفان ایرانی شرکت سینکسر دست به دست هم داده و در نهایت شرکت سینکسر را از میدان بدر کردند. در اواخر سال ۱۹۲۳ روزنامه‌های آمریکا خبری منتشر کردند که وزیر کشور آمریکا معادن نفتی ذخیره شده برای نیروی دریایی آمریکا را با دریافت دویست و شصت هزار دلار رشوه از سینکسر آلمانی به کمپانی وی اجاره داده است. سینکسر به جرم اجاره کردن منابع نفت و ذخیره نیروی دریایی آمریکا محاکمه و زندانی شد. این خبر باعث شد تا دولت شوروی قرارداد خود را با شرکت سینکسر فسخ نماید. در اثر لغو این قرارداد تنها راه صدور نفت شمال ایران به بازارهای دنیا مسدود شد و قرارداد سینکسر هم با ایران به نتیجه نرسید.

شوروی و امتیاز نفت شمال

پس از اشتغال ایران در جنگ جهانی دوم و بر کناری رضاشاه موضوع واگذاری امتیاز نفت به شرکت‌های آمریکایی دوباره مطرح شد. در سال ۱۳۲۲ (۱۹۴۳) نمایندگان شرکت‌های نفتی آمریکایی و شرکت شل انگلیسی برای کسب امتیاز نفت مناطق جنوب شرقی ایران (بلوچستان) به ایران آمده و مذاکراتی را در این زمینه آغاز کردند. این مذاکرات تا سال ۱۳۲۳ ادامه داشت و به نتیجه نرسید. در

این زمان دولت شوروی نیز با اعزام هیئتی به ایران تقاضای امتیاز نفت شمال را نمود. همین مسأله سبب بوجود آمدن بحرانی در رابطه ایران و شوروی و همچنین تصمیم دولت ایران مبنی بر عدم اعطای هر گونه امتیاز نفتی تا پایان جنگ گردید.

«سرگئی کافتارادزه» معاون کمیساریای ملی امور خارجه شوروی در شهریور ۱۳۲۳ در رأی هیئتی از کارشناسان نفتی آن کشور وارد تهران شد و در مذاکره با ساعد نخست وزیر ایران از علاقه مؤسسات نفتی شوروی برای تحصیل امتیاز نفت کویر خوریان خبر داد.^{۴۳} هیأت اعزامی شوروی سپس مسافرتی به مناطق شمالی نموده و در خواست امتیاز نفت استان‌های شمالی کشور را به دولت ایران ارائه کردند. دولت ایران که از ورود هیأت اعزامی شوروی اظهار خوشوقتی نموده بود^{۴۴}، خیلی علاقه به مذاکره در این باب از خود نشان نداد.

کافتارادزه در ملاقات ۹ مهر ماه ۱۳۲۳ با شاه ضمن گله و شکایت از ساعد و کابینه او که نسبت به درخواست شوروی برای تحصیل امتیاز نفت استان‌های شمالی توجه لازم را مبذول نداشته است نارضایتی دولت متبوع خود را از روابط ایران و شوروی به شاه خاطر نشان کرد. وی از شاه خواست از نفوذ خود استفاده کرده و به دولت دستور دهد تا در امر اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی تسریع به خرج دهد. شاه درخواست کافتارادزه را رد کرد و به وی یادآور شد که تصمیم در این مسئله به عهده دولت است و علاوه بر آن پس از توافق دولت با شوروی باید موضوع به تصویب نمایندگان مجلس هم برسد.^{۴۵}

ساعد در جلسه مجلس شورای ملی اعلام کرد که هیئت دولت تصمیم گرفته که موضوع امتیاز نفت تا خاتمه جنگ و معلوم شدن اوضاع اقتصادی جهان مسکوت بماند.

پیش از این کافتارادزه مصاحبه‌ای هم با روزنامه اطلاعات در این زمینه انجام داده بود و اعلام کرده بود که دولت شوروی برای این مسئله اهمیت شایانی از نظر تحکیم روابط و مراودات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان دو کشور دوست و همجوار قائل است.

جواب رد و صریح دولت ساعد به پیشنهاد دولت شوروی سبب گردید تا کافتارادزه عکس‌العمل نشان داده و شرایط قرارداد را به اطلاع عموم و مطبوعات برساند.^{۴۶} دولت شوروی برای اعمال فشار و تحمیل نظرات و خواسته‌های خود به دولت ایران حداقل از سه پایگاه مختلف سود می‌برد. قوای

مسلح شوروی در ایران، حزب توده و در حدود پانزده تا بیست تن از نمایندگان مجلس که بطور رسمی یا غیررسمی از سرسپردگان همسایه شمالی بودند و روزنامه‌های وابسته به آن‌ها. در این زمینه تلاش‌های حزب توده و نمایندگان وابسته به آن در انتقاد از دولت به جهت عدم واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی چشمگیر بود.

حزب توده که در آغاز با واگذاری هرگونه امتیاز به دولت‌های خارجی بطور کلی مخالف بود و آن را طی بیانیه‌ای اعلام کرد.^{۴۷} روزنامه آژیر نوشت: «مردم بیدار باشید گول نخورید، اغفال نشوید، منابع ثروت ایران مال خود ملت ایران است. آن را فقط ملت ایران می‌تواند استخراج کند».^{۴۸} علیرغم مخالفت با هرگونه واگذاری امتیاز در آغاز از سوی حزب توده، به محض درخواست شوروی برای دریافت امتیاز نفت شمال، حزب توده مخالفت خود با اصل اعطای امتیازات پس گرفت و ادعا کرد که با اصل اعطای امتیازات نمی‌توان مخالفت کرد بلکه صحبت در چگونگی و شرایط اعطای آن است.^{۴۹} حمایت حزب توده از واگذاری امتیازات نفتی به شوروی و برخی ارباب مطبوعات و نمایندگان مجلس که وابستگان به آن‌ها بودند باعث می‌شد که کافتارادزه حتی در دیدار با شاه هشدار داد آینده روابط اقتصادی ایران و شوروی بستگی به پاسخ دولت ایران به درخواست امتیاز نفت شوروی دارد. هر چند شاه این درخواست را صریحاً رد کرده و آن را به عهده دولت و مجلس دانست. به دنبال رد پیشنهادات شوروی از سوی دولت ساعد، اعمال فشارهای شوروی به دولت ایران بیشتر شد. وکلای توده‌ای مجلس که خود شدیداً با اعطای هرگونه امتیازی به کمپانی‌های نفتی در زمان جنگ مخالفت ورزیده بودند به اشاره دولت شوروی خواستار سیاست موازنه شدند. براساس آن چون انگلیسی‌ها امتیاز نفت جنوب را در اختیار داشتند، دولت می‌بایست امتیاز نفت شمال را هم به دولت شوروی بدهد تا موازنه برقرار شود.^{۵۰}

سیاست موازنه پیشنهادی حزب توده و طرفداران واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی نهایتاً به سیاست موازنه منفی دکتر مصدق انجامید. مصدق در جلسه یازده آذر ۱۳۲۳ مجلس شورای ملی در مقام موافقت با برنامه دولت بیات که جانشین ساعد شده بود اعلام کرد: «این سیاست باید «موازنه منفی» باشد نه «موازنه مثبت»، یعنی به هیچ یک از خواستاران امتیازات، نه همسایه شمالی و نه همسایه جنوبی و نه دولت آمریکا امتیاز جدید داده نشود» مصدق در پایان همین جلسه طرح تحریم اعطای امتیاز نفت را به مجلس تقدیم کرد که با اکثریت قاطع آراء به تصویب رسید. گفته شده این

طرح را ابتدا سید مهدی فرخ رهبر فراکسیون دموکرات بطور غیررسمی به نمایندگان مجلس پیشنهاد کرد و مصدق آن را بطور رسمی اعلام و به تصویب مجلس هم رسید.^{۵۱}

علیرغم مصوبه مذکور مقامات شوروی باز هم تلاش‌هایی را انجام دادند. از جمله مجلس را متهم می‌کردند برخلاف قانون اساسی و به اجبار این طرح را فقط در طی چهار ساعت مورد تصویب قرار داده است. در حالیکه طرح‌هایی با قید دو فوریت برخلاف قانون اساسی نبود. روزنامه‌های وابسته به حزب توده انتقادهای تندی نسبت به این طرح و دکتر مصدق در این زمان نوشتند. کافتارادزه رئیس هیئت اعزامی شوروی که کوشش‌هایش برای کسب امتیاز نفت شمال بی نتیجه مانده بود تهران را ترک کرد.^{۵۲} وی قبل از ترک تهران اقدام مجلس شورای ملی را اشتباه خواند و خواستار تجدیدنظر در تصمیم مجلس گردید. نشریه «دوست ایران» ارگان سفارت شوروی در تهران نظرات رسمی دولت شوروی را منعکس کرد مبنی بر اینکه تصویب این لایحه اشتباه بود، و باید مورد تجدید نظر قرار گیرد چون بر مشکلات موجود در روابط ایران و شوروی افزوده است.

اهداف اصلی شوروی از تقاضای امتیاز نفت شمال

دستگاه تبلیغاتی دولت اتحاد شوروی بارها اعلام کرده بود که شوروی از نظر منابع نفتی بسیار غنی بوده، بطوریکه مقام اول را از این بابت در دنیا داراست. حال این سؤال پیش می‌آید که انگیزه دولت شوروی از تقاضای گرفتن امتیاز نفت شمال ایران چه بوده است؟ پژوهشگران مسایل سیاست خارجی ایران به این پرسش دو پاسخ متفاوت داده‌اند. شماری بر این باورند که با توجه به اهمیت مرزهای جنوبی شوروی برای این کشور و قرار داشتن حوزه‌های نفتی در منطقه قفقاز، شوروی نگران بود چنانچه دولت ایران امتیاز نفت شمال را به شرکت‌های غربی واگذار کند امنیت مرزهای جنوبی روسیه و حوزه‌های نفتی واقع در این منطقه به خطر افتد. از نظر سیاستمداران روسی بهترین راهکار برای مقابله با این تهدید، گرفتن امتیاز نفت شمال ایران و جلوگیری از حضور شرکت‌های غربی در همسایگی مرزهای جنوبی شوروی بود.^{۵۳} «جرج کنان» کاردار سفارت آمریکا در مسکو در گزارش به وزارت امور خارجه آمریکا در اوج بحران نفت در ایران می‌نویسد: غرض اصلی از اقدامات اخیر شوروی در شمال ایران احتمالاً تنها برای دست‌یافتن به منابع نفتی نیست، بلکه بیم و تشویش از نفوذ نیرویهای بالقوه خارجی در شمال ایران سبب آن بوده است» کنان در ادامه گزارش خود می‌نویسد «کرملین برای حفظ امنیت شوروی، این مسئله را که هیچ قدرت بزرگ خارجی نباید حتی شانس

بدست آوردن جای پای را در شمال ایران داشته باشد بسیار اساسی تلقی می‌کند.^{۵۴} گروهی دیگر بر این باورند که با وجود تفاهم اولیه میان انگلستان و شوروی در ایران کوشش شوروی برای گرفتن امتیاز نفت شمال به دلیل برقراری توازن در چارچوب تئوری تعادل در روابط این کشور با بریتانیا در ایران بوده است. بررسی اسناد و مدارک و تحلیل خواسته‌های شوروی بیانگر این است که هر دو عامل یعنی تأمین امنیت مرزهای جنوبی شوروی و رقابت شوروی و انگلیس در ایران در تصمیم‌گیری رهبران شوروی برای گرفتن امتیاز نفت شمال مؤثر بوده است.^{۵۵} هر چند می‌توان در بررسی انگیزه‌های شوروی از دستیابی به امتیاز نفت شمال چند نکته دیگر را هم ضافه کرد. آن‌ها واقعاً به نفت احتیاج داشتن. علیرغم اینکه گفته بودند از نظر منابع نفتی غنی هستند، چون بخش مهمی از تولیدات نفتی باکو را برای مصارف داخلی بعد از جنگ اختصاص داده بودند، می‌خواستند با استفاده از نفت شمال ایران با آمریکا و انگلستان در بازارهای جهانی نفت به رقابت بپردازند. از طرفی منابع نفتی شمال ایران و منابع نفتی قفقاز در یک حوزه قرار دارد. به ادعای روس‌ها بهره‌برداری از منابع نفتی شمال ایران باعث خشک شدن چاه‌های نفت منطقه قفقاز می‌گردد که این موضوع نیز مورد توجه روس‌ها بوده است. نکته دیگری که نمی‌توان از آن به راحتی گذشت این که مسکو درصدد بود تا از رقابت کشورهای غربی در مسئله نفت ایران به عنوان بهترین بهانه و دلیل برای مداخله در امور سیاسی ایران استفاده کند. چرا که سیاست کلی شوروی در ایران مبتنی بر این اصل بود که اوضاع اقتصادی و خط مشی سیاسی کشورهای همجوار نباید بوسیله قدرت‌های دیگر مشخص شود. نتیجه اینکه درخواست دولت شوروی برای امتیاز نفت شمال در حقیقت بخشی از نیاز آن دولت جهت داشتن کمربند حفاظتی و امنیتی در شمال ایران علیه دشمن دیرینه و سنتی خود، انگلستان و تازه واردی چون آمریکا بود.^{۵۶}

این اهداف و خواسته‌های شوروی با توجه به سوابق روابط این کشور با ایران با تصویب لایحه منع مذاکرات اعطای امتیاز نفت ناکم ماند.

ایران و امتیاز نفت شمال

ایران جدای از اینکه با امتیاز نفت شمال قصد داشت بخشی از مشکلات اقتصادی خود را برطرف کند چون شرط واگذاری امتیاز به شرکتهای آمریکایی دریافت ده میلیون دلار وام بود. این شرط هم در مذاکره با شرکت استاندارد اوپل^{۵۷} و هم در مذاکره با شرکت سینکلر^{۵۸} مطرح گردید. زمانی که پای

شوروی برای دریافت امتیاز نفت شمال به میان آمد ایران کالا واگذاری هرنوع امتیاز نفتی به کشورهای دیگر را تا پایان جنگ جهانی منتفی دانست. اینکه چرا ایران حاضر به معامله با شوروی در امتیاز نفت شمال نبود مسلماً دلایلی داشته است.

علت اصلی و واقعی امتناع دولت ایران از واگذاری امتیاز نفت به شوروی را باید در سیاست و طرز تلقی غیردوستانه دولت شوروی نسبت به ایران جستجو نمود. دولت ساعد به ضرر قاطع بهره برداری از نفت شمال ایران را توسط دولت شوروی با پایان استقلال و حاکمیت ایران مربوط می-دانست و این نظر دولت ایران بی دلیل هم نبود، چرا که در آن صورت ایالات شمالی ایران به عنوان منطقه اشغالی شوروی، به سادگی می توانست از پیکر ایران جدا شود.^{۵۹} علاوه بر آن تصمیم دولت ایران در آن زمان به توصیه شاه و در تحت فشار گروه ها و عناصر دموکرات و ملی گرفته شد و روزنامه های وابسته به عناصر ملی و دموکرات نیز درخواست شوروی را کوششی برای نقض حاکمیت و استقلال ایران قلمداد می کردند.^{۶۰}

این موضوع در شرایطی بود که ایران قصد داشت با کشاندن آمریکا به معادلات سیاسی و اقتصادی به عنوان کشوری که در ایران منافع ارضی ندارد خود را از جاه طلبی های همسایه قدرتمند شمالی و رقیب قدرتمند جنوبی تشنه نفت (انگلستان) نجات دهد.

تفاوت واکنش دولت ایران به درخواست شوروی و کمپانی های نفتی آمریکایی و انگلیسی کاملاً مشهود و معلوم بود. روزنامه «بالتیمور سان» در آن زمان نوشت: «کارشناسان این تصمیم دولت ایران را به دلیل کوشش دولت شوروی برای کسب امتیاز تلقی می کنند و معتقدند چنانچه دولت شوروی مداخله نکرده بود کمپانی های آمریکایی و انگلیسی می توانستند امتیازات نفتی را بر مبنای پیشنهادهاتی که داده بودند بدست آورند»^{۶۱}

تاثیر پاسخ منفی ایران بر روابط دو کشور

با پاسخ منفی دولت ایران برای واگذاری امتیاز نفت شمال روسها دست خالی میدان را ترک نکردند آنها نفت را بدست نیاوردند ولی در عوض چیزی بدست آوردند که برای قدرتهای بزرگ بسیار سودمند است، گله و شکایت و مظلوم واقع شدن با همه ارزش های دائمی آن. دولتهای بعدی ایران هم که سیاست نفتی دولت ساعد را در پیش گرفتند متهم به مرتجع و فاشیست بودن می شدند و

عجیب تر اینکه امتناع از اعطای امتیاز نفت به شوروی مانع بزرگی در راه بهبود روابط ایران و شوروی محسوب می‌گردید.^{۶۲} روسها این تصمیم دولت ایران را نوعی «تبعیض» که مغایر اصل «تساوی فرصت» و «حقوق برابر» و فراهم آوردن تسهیلات لازم برای همه کشورهای «صلح دوست» است تلقی می‌کردند! آنها ادعا می‌کردند که تنها براساس اصل برابری با انگلیسی‌ها چنین درخواستی کرده‌اند.^{۶۳}

بعد از جنگ جهانی دوم شوروی از خروج نیروهای خود از ایران امتناع کرد. در کنفرانسهای بعد از جنگ جهانی مانند پوتسدام، لندن، مسکو و ... فقط به فکر منافع خودش بود و مانع از حتی حضور نمایندگان ایران در این جلسات می‌شد، در حالی که ایران در جریان جنگ جهانی کمک‌های زیادی به متفقین کرده بود. آنها ابتدا فعالیت حزب توده را به عنوان حامی اصلی خود در ایران گسترش دادند، حتی به بهانه اینکه حزب توده وابستگی به شوروی ندارد آنها را متقاعد کردند در مناطق جنوب کشور فعالیت‌های خود را گسترش دهند تا ثابت کنند بدون حمایت شوروی قادر به فعالیت در تمام نقاط ایران هستند.^{۶۴} بعد از این اقدامات، شوروی غائله آذربایجان را ایجاد کرد و با حمایت از فرقه دموکرات آذربایجان قصد جداکردن آذربایجان را از پیکره ایران داشت. جعفر پیشه‌وری رهبر فرقه دموکرات آذربایجان صراحتاً و آشکاراً از حمایت ارتش سرخ شوروی در غائله آذربایجان سخن گفت و از شوروی بخاطر این حمایت تشکر کرد.^{۶۵} هرچند مسئله آذربایجان با تمهیدات دولت قوام السلطنه و مذاکراتی که در مسکو با استالین و مولوتف وزیر خارجه شوروی انجام داد و نهایتاً اولتیماتوم آمریکا به شوروی مبنی بر عدم حمایت از تجزیه طلبان خاتمه پیدا کرد.^{۶۶}

با حمایت شوروی در کردستان نیز تحریکاتی صورت گرفت، همزمان با آذربایجان حزب کومله و دموکرات کردستان نیز به رهبری قاضی محمد اعلام خودمختاری نمود.^{۶۷} شوروی ابتدا تلاش کرد که دولتهای خودمختار آذربایجان و کردستان را به هم نزدیک کند تا آنها در کنار هم بتوانند مقابل دولت ایران بایستند. اما این تاکتیک روسها به علت اینکه کردها حاضر به پیوستن به آذربایجان نبودند نتیجه نبخشید. قاضی محمد روی این مسئله تاکید داشت که کردها حاضر نیستند ملیت و سرزمین آنها جزئی از آذربایجان محسوب گردد و اشاره داشت به اینکه کردها درصدد هستند به اتفاق اکراد عراقی و نهایتاً کردهای ترکیه به رویای دیرین خود که ایجاد کردستان بزرگ و مستقل است، دست یابند. با شکست تجزیه طلبان در آذربایجان غائله کردستان هم فروکش کرد، ارتش ایران پس از فتح تبریز

فتنه کردستان را هم سرکوب و سران حزب کومله به دار آویخته شدند و به عمر کوتاه جمهوری کردستان پایان داده شد.^{۶۸}

نتیجه

موضوع نفت شمال یکی از مسایل در روابط ایران با روسیه و شوروی بوده است. سال ۱۹۱۶ میلادی (۹۵-۱۲۹۴ ش) یعنی زمانی که هنوز دولت تزاری روسیه سقوط نکرده بود و روس‌ها بخش‌های وسیعی از شمال ایران را به اشغال خود در آورده بودند. با التیماتوم روس‌ها که مانده بود که قرارداد ترکمانچای دیگری رقم بخورد. در این شرایط آن‌ها با تهدید و فشار یک امتیاز نفتی در شمال ایران را برای یکی از اتباع خود به نام خوشتاریا که اصالت گرجستانی داشت بدست آوردند. با انقلاب اکتبر و سقوط نظام تزاری روسیه کلیه قراردادهایی که خصوصاً به عنف از ایران گرفته بودند، لغو شد. اما به نظر می‌رسد که بعد روس‌ها و از این زمان به بعد شوروی از لغو این امتیاز نفتی پشیمان شدند. هر چند آن‌ها اعلام کرده بودند که امتیازهای لغو شده نباید به کشور دیگری واگذار شود.

قرارداد نفتی خوشتاریا با دولت ایران چون به تصویب مجلس نرسیده بود از اعتبار قانونی برخوردار نبود و دولت ایران بعدها آن را لغو کرد.

زمانیکه پای شرکت‌های آمریکایی و انگلیسی برای گرفتن امتیاز نفت شمال به میان آمد دولت روسیه، شوروی به فکر این افتاد که یا مانع ورود شرکت‌های آمریکایی و انگلیسی به محدوده نفت شمال ایران شود یا خود امتیاز نفت شمال را مجدداً به دست آورد. موضوع نفت شمال در دو مقطع از تاریخ ایران اهمیت زیادی پیدا کرد. یکی در سال نخست پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ (۱۹۲۱ م) و دیگری پس از شهریور ۱۳۲۰ (۱۹۴۱ م) در زمان جنگ جهانی دوم و اشغال ایران. علت اهمیت نفت شمال در این دو مقطع به این خاطر بود که سیاستمداران ایران در تلاش برای نزدیکی به نیروی سوم (قدرت ثالث) از نفت شمال برای تحقق این دکترین استفاده کردند. روس‌ها ابتدا براساس قرارداد داری که پنج استان شمالی ایران را مستثنی کرده بود خیالشان از این مناطق راحت بود، اما زمانیکه پای شرکت خارجی (آمریکایی و انگلیسی) برای کسب امتیاز نفت شمال به میان آمد سریعاً دست به کار شده تا مانع این کار شوند.

در مقاطعی دولت اتحاد شوروی خصوصاً در زمان اشغال ایران در جریان جنگ جهانی دوم تقاضای کسب امتیاز نفت شمال را نمود. این درست زمانی بود که شرکت‌های آمریکایی استاندارد اوایل و سینکлер تلاش‌هایی را برای بدست آوردن امتیاز نفت شمال انجام داده بودند. شوروی که در این زمان از حمایت حزب توده و برخی عناصر داخلی در ایران برخوردار بود و معاون کمیساریای خارجی خود (کافتارادزه) را به این منظور به ایران فرستاده بود، با تصویب مجلس شورای ملی ایران مبنی بر منع مذاکرات اعطای امتیاز نفت تا پایان جنگ جهانی و مشخص شدن اوضاع اقتصادی جهان ناکام ماند. این ناکامی شوروی مشکلات زیادی را در آینده برای ایران رقم زد. به گونه ای که شوروی ضمن تحریک گروه‌های وابسته به خود در ایران سعی کرد از تجزیه طلبان آذربایجان و کردستان حمایت کند. هرچند با اولتیماتوم آمریکا در پایان مجبور به تخلیه ایران شد. ولی تا مدت‌ها موضوع عدم اعطای نفت شمال به شوروی روابط دو کشور را تحت تاثیر قرارداد. شوروی به این راحتی حاضر به چشم‌پوشی از امتیاز نفتی شمال ایران نبود چون آنها اهداف خاصی در تصاحب این امتیاز داشتند و به بهانه حفظ منابع نفتی باکو اجازه نزدیک شدن هیچ قدرتی را به مرزهای خود یعنی شمال ایران نمی‌دادند. به همین خاطر شوروی در تقاضای امتیاز نفت شمال ضمن رقابت با انگلستان، داشتن کمربندی ایمنی در مرزهای جنوبی خود و ممانعت از ورود رقبای غربی در این منطقه را نیز مدنظر داشت.

پی نوشت ها

- ^۱ ذوقی، ایرج (۱۳۷۲). **ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم**، تهران، پازنگ، ص. ۱۹۶.
- ^۲ **همان مأخذ** (مستخرج از گزارش محرمانه شماره ۴۵۳ آرتور نیکلسن از تهران به چمبرلین مورخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۲۶) E5538/99/34-F.O.371/11498
- ^۳ **همان**، ص ۱۹۶.
- ^۴ فاتح، مصطفی (۱۳۳۵)، **پنجاه سال نفت ایران**، تهران، انتشارات شرکت سهامی چهر، ص ۳۴۵.
- ^۵ **همان**، ص ۳۲۶.
- ^۶ **همان**، ص ۳۲۶-۳۲۸.
- ^۷ **همان**، ص ۳۲۸-۳۳۰.
- ^۸ **همان**، ص ۳۲۸.
- ^۹ ذوقی، **همان**، ص ۱۹۷.
- ^{۱۰} ذوقی، **همان**، ص ۱۹۷، فاتح، **همان**، ص ۳۳۰، فاتح در کتاب پنجاه سال نفت ایران واقعه را اینگونه توضیح می‌دهد که امتیازاتی که به عنف رهبر در دوره تزاری روسیه از ایران گرفته شده بود لغو شد. به نظر می‌رسد فاتح بخاطر گرایش‌های مارکسیستی می‌خواهد همه تقصیرها را گردن دولت تزاری روسیه بیناندازد و بعد از انقلاب بلشویکی اتهام چندانی متوجه دولت جدید شوروی نشود. گرچه او بخاطر حمایت شدید و بی‌چون و چرای حزب توده از شوروی از آن حزب جدا و به حز هم‌رمان پیوسته بود. در این زمینه نگاه کنید به: **ایران بین دو انقلاب**، یرواند ابراهامیان، نشر نی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۱.
- ^{۱۱} اداره کل آرشیو، **اسناد و موزه ریاست جمهوری امتیاز نفت شمال به روایت اسناد**، ص ۳.
- ^{۱۲} ذوقی، **همان**، ص ۱۹۷ و ۱۹۸.
- ^{۱۳} فاتح، **همان**، ص ۳۳۱.
- ^{۱۴} ذوقی، **همان**، ص ۱۹۸- فاتح، ص ۲۳۱.
- ^{۱۵} **همان**، ص ۱۹۸.
- ^{۱۶} فاتح، **همان**، ص ۳۳۱.
- ^{۱۷} ذوقی، **همان**، ص ۱۹۸.
- ^{۱۸} شاهدی، مظفر، «نفت شمال در عرصه رقابت‌های بین‌المللی»، فصل‌نامه **تاریخ معاصر ایران**، پاییز ۱۳۷۷، شماره ۷، ص ۵۶.
- ^{۱۹} یکتا، حسین، «رازها، امتیازها، امتیاز نفت شمال ایران و رقابت سه قدرت روسیه، انگلستان و آمریکا»، **زمانه** (ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر)، سال دوم، شماره ۹، خرداد ۱۳۸۲، ص ۲۱.
- ^{۲۰} ذوقی، **همان**، ص ۱۹۸.
- ^{۲۱} آرتور نیکلسن (تهران) به کزن، گزارش شماره ۴۵۳ مورخ، ۱۰ سپتامبر ۱۹۲۶ به نقل از ذوقی، **ایران و قدرت‌های بزرگ ...** ص ۱۹۸.

- ^{۳۲} فاتح، همان، ص ۳۴۷.
- ^{۳۳} همان، ص ۳۴۷.
- ^{۳۴} همان، به نقل از گزارش محرمانه شماره ۴۵۳ آرتور نیکلسن از تهران به چمبرلین، مورخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۲۶.
- ^{۳۵} مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۷۵)، **تاریخ سیاسی معاصر ایران**، ج اول، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ص ۱۰۵.
- ^{۳۶} مسعودنیا، حسین، «نظری بر تأثیر موضوع نفت شمال در افزایش نفوذ آمریکا در ایران»، فصل‌نامه **تاریخ روابط خارجی**، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۳۷، ص ۹۹-۱۰۰.
- ^{۳۷} بهار، ملک‌الشعرا (۱۳۷۱)، **تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران**، ج ۱، انتشارات امیر کبیر، تهران، ص ۱۹۴.
- ^{۳۸} ذوقی، ایرج، **پیشین**، ص ۲۱۰.
- ^{۳۹} همان، ص ۲۰۱.
- ^{۳۰} فاتح، **پیشین**، ص ۳۳۳.
- ^{۳۱} اسنادی از امتیاز نفت شمال، مرکز اسناد ریاست جمهوری، سند شماره ۲.
- ^{۳۲} ذوقی، همان، ص ۲۰۲.
- ^{۳۳} مکی، حسین (۱۳۵۹)، **تاریخ بیست ساله ایران**، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج دوم، صص ۹۰-۹۲.
- ^{۳۴} ذوقی، همان، ص ۲۰۳.
- ^{۳۵} **اسنادی از امتیاز نفت شمال**، مرکز اسناد ریاست جمهوری، سند شماره ۵۶، مکاتبه مشیرالدوله با حسین علاء وزیر مختار ایران در واشنگتن ۱۴ فوریه ۱۹۲۲.
- ^{۳۶} همان، سند شماره ۵۷، تلگراف رمز حسین علاء به مشیرالدوله.
- ^{۳۷} بهار، ملک‌الشعرا (۱۳۷۱)، **تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران**، ج ۱، انتشارات امیر کبیر، تهران، ص ۲۲۰.
- ^{۳۸} **اسنادی از امتیازات نفت شمال**، سند شماره ۱۲۳.
- ^{۳۹} بهار، ملک‌الشعرا، همان، ص ۲۲۱-ذوقی، ایرج، همان، ص ۲۰۴.
- ^{۴۰} یکتا، حسین، «اعطای انحصار امتیاز نفت شمال ایران و رقابت سه قدرت روسیه، انگلستان و آمریکا»، **ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر** (زمانه) شماره ۱۲، شهریور ۱۳۸۲، صص ۴۵-۵۲.
- ^{۴۱} ذوقی، همان، ص ۲۰۴.
- ^{۴۲} زرگر، علی‌اصغر (۱۳۷۲)، **تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه**، ترجمه کاوه بیات، انتشارات پروین و معین، تهران، ص ۱۰۳.
- ^{۴۳} ذوقی، همان، ص ۲۱۳.
- ^{۴۴} صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، شماره ۱۳۳۰، ۲۷ مهرماه ۱۳۲۳، ص ۱۲۹۱.
- ^{۴۵} ذوقی، همان، ص ۲۱۳ به نقل از تلگراف بولارد به ایدن، شماره ۹۷۷، اول اکتبر ۱۹۴۴.
- ^{۴۶} ذوقی، همان، صص ۲۱۶-۲۱۵.
- ^{۴۷} جامی، ن (۱۳۶۲)، **گذشته چراغ راه آینده است**، انتشارات ققنوس، چاپ دوم، ص ۲۱۶.
- ^{۴۸} آژیرو، شماره ۱۷۲، ۱۳۳۳/۵/۵.

- ۴۹ جامی، همان، ص ۲۲۲.
- ۵۰ ذوقی، همان، ص ۲۱۷.
- ۵۱ فرخ، سیدمهدی (بی تا)، **خاطرات سیاسی فرخ، تاریخ پنجاه ساله معاصر**، انتشارات جاویدان- تهران، ص ۶۸۱
- ۵۲ فاتح، همان، صص ۳۵۶-۳۵۷.
- ۵۳ مسعودنیا، حسین، «نظری بر تأثیر موضوع نفت شمال در افزایش نفوذ آمریکا در ایران»، فصل نامه تاریخ روابط خارجی ایران، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۳۷، صص ۹۶-۱۱۹.
- ۵۴ ذوقی، همان، ص ۲۲۴.
- ۵۵ مسعودنیا، حسین، همان، ص ۱۰۵.
- ۵۶ ذوقی، ایرج (۱۳۷۲)، **مسایل سیاسی و اقتصادی نفت ایران**، انتشارات پازنگ، تهران، ص ۱۸۵.
- ۵۷ اسنادی از امتیاز نفت شمال، سند شماره ۱۰۷.
- ۵۸ اسنادی از امتیاز نفت شمال، سند شماره ۱۱۰.
- ۵۹ ذوقی، ۱۳۷۲، ص ۲۲۸.
- ۶۰ روزنامه باختو، ۴ آبان ۱۳۲۳.
- ۶۱ ذوقی، همان، ص ۲۲۷.
- ۶۲ روزنامه رزم، ۱۷ آبان ۱۳۲۳.
- ۶۳ رهبر، ۱۹ آذر ۱۳۲۳.
- ۶۴ ذوقی، همان، ص ۲۵۲.
- ۶۵ ذوقی، همان، ص ۲۵۶.
- ۶۶ طلوعی، ۱۳۷۴، ص ۳۳۸.
- ۶۷ ذوقی، همان، ص ۲۶۳.
- ۶۸ هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۹، ص ۴۳۵.



روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی